

تأثیر معماری گرمابه‌های ایران بر حمامهای اسلامی فلسطین

محسن طبسی^۱، محمدرضا پورجعفر^۲

۱- استادیار گروه معماری دانشکده معماری و هنر، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد

۲- دانشیار گروه شهرسازی، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران

چکیده

بسیاری از پژوهشگران هنر و معماری معتقدند که ساخت گرمابه‌ها در ایران، برگرفته از معماری انتقالی روم و بیزانس است؛ حال آن‌که سابقه تطهیر و شستشو (به عنوان فریضه‌ای مذهبی) بسیار پیش از آن تاریخ در ایران وجود داشته و بعدها نیز، در دوره اسلامی (برخلاف آنچه مشهور است) بر ساخت حمامها در سایر سرزمینهای همجوار، از جمله فلسطین، تأثیر داشته است.

مقاله حاضر، درصدد است تا ضمن مرور بر تاریخچه حمامهای ایرانی (پیش از اسلام و دوره اسلامی)؛ با مروری تاریخی، تأثیر هنر و معماری سلجوقی ایران را بر هنر مملوکان (در سرزمین فلسطین) و حتی بر هنر عثمانیان نیز به اثبات برساند و در ادامه با مطالعه تطبیقی پلان حمام سلطانیه در ایران و حمام العین در بیت المقدس، وجوه تشابه را آشکار سازد.

بررسی انجام شده نشان داده است که هرچند این دو حمام از نظر ابعاد و اندازه‌ها با یکدیگر شباهتی ندارند؛ اما از لحاظ منطق حاکم بر طراحی، یعنی تنوع فضاها و عملکرد آنها، مسیر حرکت و گردش درون بنا، رعایت سلسله مراتب فضاها (به صورت کاملاً یکسان) و همچنین رعایت نسبتها و تناسبات، بسیار به یکدیگر شبیه می‌باشند.

کلیدواژگان: حمام، ایران، فلسطین.

۱- مقدمه

سابقه مطالعاتی درباره حمامها، در قیاس با سایر گونه‌های معماری، اندک بوده و متأسفانه همین اندک نیز، بعضاً بسیار به خطا رفته است. شماری از پژوهشگران غربی که در معماری اسلامی مطالعه کرده‌اند، بدون توجه به آیینها و مراسم ایران باستان و یا عنایت به گرمابه‌های دوره اسلامی ایران، ریشه تمام آنچه در حیطه معماری حمام می‌گنجد را به روم باستان و حمامهای رومی نسبت داده‌اند؛ با این حال، این مقاله بر آن است تا ضمن بازخوانی دقیق تاریخچه معماری حمامها در بخش نخست، به بازشناسی تأثیرات معماری گرمابه‌های ایرانی بر حمامهای اسلامی فلسطین، در بخش دوم بپردازد.

بررسی تأثیرات فرهنگ و هنر ایران، بر فرهنگ سایر ملل یکی از مهمترین وظایفی است که امروزه، بر دوش پژوهشگران عرصه هنر ایران، سنگینی می‌نماید؛ زیرا دیری است که بسیاری از محققان غربی، بر هر چه هنر ایرانی است عنوانی از یونان و روم و بیزانس نهاده‌اند و دریغاً که در بازار گرم شیفتگی و رعب از علم و دانش و فناوری غرب، متأسفانه بسیاری از پژوهندگان ایرانی نیز، جز به ایشان استناد نکرده و پذیرفتن تمام و کمال نظریات آنها را دلیلی بر ارزش علمی کار خود می‌دانند. در این میان، نگارندگان با احساس ضرورت پرداختن به هنر ایرانی و اثبات تقدم آن بر هنر سایر کشورها، به نگارش این مقاله اقدام کرده‌اند.



گذشته از منابع بسیاری که برای بخش اول مورد رجوع و استناد قرار گرفته، مرجع اصلی برای مطالعه درباره حمامهای فلسطین و انتخاب نمونه، کتاب حمامهای اسلامی فلسطین، تألیف مارتین داو است. نمونه فلسطینی، حمام العین متعلق به ۷۳۷ ه.ق. می‌باشد. در بسیاری از منابعی که در متن مقاله مورد بررسی و استناد قرار گرفته، مملوکان و عثمانیان تا قرن‌ها از هنر سلاجقه ایران تأثیر پذیرفته‌اند؛ اگرچه از حمامهای دوره سلجوقی در ایران، آثاری برجای نمانده است، اما به نظر می‌آید که انتخاب حمامهای دوره ایلخانی، که با حکومت ممالیک هم‌دوره بوده‌اند، نیز بتواند تا حدی راهگشا باشد. به همین منظور، حمام سلطانیه در شهر سلطانیه در نزدیکی زنجان، انتخاب شده است. همچنین لازم است یادآوری شود که در این پژوهش، فقط پلان حمامها، از جهات مختلفی نظیر فضاها (ابعاد و عملکرد آنها)، سیرکولاسیون حرکت و... بررسی شده‌اند.

با مهاجرت مهرکیشان به اروپا، ساکنان قاره سبز نسبت به آیینها و تشریفات مذهبی ایشان اقبال بی‌نظیری نشان دادند. بدین ترتیب آداب مهری و از جمله آنها تطهیر و غسل پیش از ورود به مهرابه‌ها، بزودی در سراسر اروپا دامن گسترده. "حمام در سرزمینهای تابع آیین میترائیسم، به دلیل اهمیت فوق‌العاده برای شست و شو، بخصوص در حکومت روم به صورت یکی از فضاهای مهم شهری مطرح می‌شود و باعث ساختن گرمابه‌های بسیار باشکوهی در روم شده" [۷، ص ۹۶]. از یک طرف نبوغ رومیها در معماری و علاقه بیش از حد آنها به تجمل و از سوی دیگر، زمینه‌های میترائیسم باعث شد تا امپراتوری با نام مارکوس آثرولیوس آنتونینوس (مشهور به کاراکالا) که خود از پیروان پرشور آیین میترا بود، در زمان کوتاه حکمرانی خود، یعنی بین سالهای ۲۱۱ تا ۲۱۷ م. باشکوهترین حمامهای عمومی دنیا را بنا نهاد، که تا مدت سه قرن یکی از معماریهای خاص و ممتاز رومیان به‌شمار آید [۸، ص ۱۷۷].

از آن پس ایده و الگوی ساخت حمامهای عمومی بتدریج به سمت شرق گسترش یافت، به طوری که در زمان حکومت ساسانیان «... احداث گرمابه در شهرها... یکی از رسمها و سنتهای رایج و معمول در شهرهای یونانی به‌شمار می‌رفت... در شهرهای روم شرقی که در همسایگی ایران قرار داشت، گرمابه پدیده‌ای رایج بود و شهرت بسیار داشت» [۹، ص ۴۲۶]؛ بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که ایده ساخت حمام به عنوان ضرورتی مذهبی، به‌وسیله مهردینان ایرانی مهاجر، به اروپا رفته در آنجا با نبوغ معماران و سرمایه ثروتمندان رومی درآمیخته و به صورت حمامهای عمومی

گذشته از منابع بسیاری که برای بخش اول مورد رجوع و استناد قرار گرفته، مرجع اصلی برای مطالعه درباره حمامهای فلسطین و انتخاب نمونه، کتاب حمامهای اسلامی فلسطین، تألیف مارتین داو است. نمونه فلسطینی، حمام العین متعلق به ۷۳۷ ه.ق. می‌باشد. در بسیاری از منابعی که در متن مقاله مورد بررسی و استناد قرار گرفته، مملوکان و عثمانیان تا قرن‌ها از هنر سلاجقه ایران تأثیر پذیرفته‌اند؛ اگرچه از حمامهای دوره سلجوقی در ایران، آثاری برجای نمانده است، اما به نظر می‌آید که انتخاب حمامهای دوره ایلخانی، که با حکومت ممالیک هم‌دوره بوده‌اند، نیز بتواند تا حدی راهگشا باشد. به همین منظور، حمام سلطانیه در شهر سلطانیه در نزدیکی زنجان، انتخاب شده است. همچنین لازم است یادآوری شود که در این پژوهش، فقط پلان حمامها، از جهات مختلفی نظیر فضاها (ابعاد و عملکرد آنها)، سیرکولاسیون حرکت و... بررسی شده‌اند.

۲- تاریخچه حمامهای ایران

پیش از اسلام

ایرانیان از دیرباز اهمیت و احترام فوق‌العاده‌ای برای آب قائل بوده‌اند، تا حدی که مورخان معروفی نظیر هرودت^۱ و آگاتریاس^۲ و همچنین استرابون^۳، جغرافیدان یونانی، به این موضوع اشاره کرده‌اند [۱، ص ۶۰]؛ اما گذشته از احترام به آب، تطهیر و غسل نیز به منظور حضور در مراسم عبادی، نزد ایرانیان کهن، جایگاه ویژه‌ای داشته است. قدیمیترین اطلاعات تاریخی در این مورد، ظاهراً به فرقه صابیین - که خود را پیروان حضرت یحیی بن زکریا (ع) می‌دانسته‌اند و یکی از آداب مذهبی ایشان مراسم متعدد تطهیر روزانه بوده - منتسب است [۲، ص ۸۷]. مهردینان نیز برای انجام مراسم مذهبی خود به مدت سه روز و سه شب و در فواصل معین غسل می‌کردند، تا برای حضور در مراسم دینی خود آماده شوند [۳، ص ۸۸]. در آیین زرتشتیان نیز پاکی جسم و توأم شدن آن با پاکی روح و روان از اهمیت بسزایی برخوردار است [۱، ص ۲۱].

اگرچه اطلاعات نسبتاً زیادی از قدر و ارج آب و نیز لزوم پاکیزگی برای عبادت نزد ایرانیان باستان داریم، اما بسیار عجیب است که بعضی از مورخان اسلامی، از نبود حمام در ایران پیش از

1. Herodot
2. Agatrias
3. steraboon

شکوهمندی درآمده و در نهایت در زمان قباد به ایران باز می‌گردد و در دوره اسلامی رونق و شکوهی دیگرگون می‌یابد.

دوره اسلامی

با ظهور اسلام و تأکید آن بر نظافت و پاکیزگی، به ویژه شرط طهارت برای عبادت، حمامهای عمومی از همان آغاز در میان فضاهای شهری، از جایگاه و اهمیت ویژه‌ای برخوردار شدند. از مهمترین گرمابه‌های سالهای آغازین اسلام، باید به حمامهای قصر عمره و خربة المفجر از دوره امویان (۱۲۹-۲۹۰ ه.ق.) در خاک فعلی اردن، اشاره کرد. بعضی از محققان، معماری و تزیینات این حمامها را کاملاً متأثر از سنتهای روم و بیزانس دانسته‌اند [۱۰، ص ۱۸۱] و برخی دیگر از پژوهشگران، با واقع‌بینی و انصاف بیشتر و البته با کمی احتیاط، تأثیر هنر ساسانی را نیز یادآور شده‌اند [۱۱، ص ۳۱].

در دوره خلافت عباسیان (۳۲۹-۱۲۹ ه.ق.) با رشد و توسعه شهرها و نیز ایجاد شهرهای جدید، گرمابه‌ها به صورت یکی از اجزای مهم شهر درآمدند. از این دوران در داخل خاک فعلی ایران، حمام شهر قدیمی دوره اسلامی کنگاور، متعلق به قرن چهارم وجود داشته است که در جریان کاوشهای معبد آناهیتا به دست آمد؛ ولی برای رسیدن به لایه‌های پیش از اسلام، مجبور شدند که پس از ثبت تصویری و تهیه گزارشهای کامل، آن را تخریب نمایند [۱۲، ص ۲۸].

به همان میزان که برخی پژوهشگران معتقدند که گرمابه‌های صدر اسلام در سوریه و اردن و سایر سرزمینهای آن منطقه، تحت تأثیر هنرمندانی با تربیت هلنی و بیزانسی بوده است، از این سوی ما نیز می‌دانیم که ساختن گرمابه‌های کوفه و بصره و بغداد و... (به دلیل نقش اصلی معماران هنرمند ایرانی در ساخت این شهرها) تحت تأثیر معماری و هنر ایران قرار داشته است. به راستی چه دلیل موجهی وجود دارد که بپذیریم سنت حمامهای هلنی و بیزانسی از طریق حمامهای سوریه و اردن به ایران آمده است؛ در حالی که هنر باشکوه ایران نیز می‌توانسته از طریق بغداد و بصره و... به غرب رفته باشد؟

در مورد حمامهای آل بویه (۴۴۰-۳۱۰ ه.ق.) در کتب تاریخی مطالب زیادی نیست. تعداد حمامهای بغداد را در زمان معزالدوله، هفده هزار و در روزگار عضدالدوله، اندکی کمتر از پنج هزار آورده‌اند [۱۳، ص ۱۵]؛ همچنین "ابن جوزی تصریح دارد که وقتی فخرالدوله دیلمی شیعی بغداد را گرفت، مردم را از وارد شدن بدون لنگ در حمام منع کرد." [۱۴، ص ۴۰۴]. یکی از حمامهای عمومی این دوران، در خاک فعلی ایران و در شهر بیشاپور به دست آمده است [۱۵، ص ۱۳۹].

دوره حکومت سلجوقیان (۵۳۵-۴۱۶ ه.ق.) را باید عصر شکوفایی معماری اسلامی دانست. هر چند از یک سو، حملات ویرانگر قوم وحشی مغول، بسیاری از آبادنیهای این دوره را از بین برد و از دیگر سو، هنوز کاوشهای باستانشناسی در شهرهای معروف این دوره به شکل بایسته و شایسته انجام نشده است؛ ولی از روی منابع مکتوب تاریخی و نیز موارد معدودی از حفاریهای انجام شده، می‌توان به این نتیجه رسید که در عصر سلاجقه، معماری حمامها بویژه در شهرهای بزرگ، اهمیت خاصی داشته است؛ به نظر فرهاد فخار تهرانی، ظاهراً حمامهای این دوران به علت وجود مواد خورنده نظیر آب گرم، صابون، نوره و... عمر کوتاهی داشته‌اند. یکی از حمامهای این دوره، در گزارش کاوشهای کنگاور معرفی [۱۶، ص ۲۷] و حمام دیگری نیز در شهر جرجان یافت شده است [۱۷، ص ۲۴۸].

ابتدای دوره مغولان (۷۳۶-۶۱۶ ه.ق.) مساوی با خرابی و ویرانی است. ظاهراً چون قوانین مغولان، غوطه‌ور شدن در آب را جایز نمی‌دانسته، احتمال تخریب حمامها به وسیله مغولان بسیار زیاد است؛ ولی بتدریج در اثر درایت، کاردانی و کفایت وزرای ایرانی، مغولها نیز به ساخت و سازهایی اقدام کرده‌اند. در مورد حمامهای دوره ایلخانی، فرهاد فخار تهرانی از وجود حمامهایی در جوار کاروانسراها در کنار هر یک از دروازه‌های شهری تبریز، مراغه، اردبیل، و سلطانیه در زمان غازان‌خان گزارش می‌دهد که کاروانیان پس از ارزیابی کالای خود و پرداخت مالیات و عوارض، پیش از ورود به شهر می‌بایست به آن حمامها وارد می‌شدند [۱۸، ص ۲۰۶]. سید علی اصغر میرفتاح در مورد کشف حمامهایی در شهر قدیمی سلطانیه در جریان کاوشهای این شهر، صحبت می‌کند که قطعاً متعلق به دوره ایلخانی هستند [۱۷، ص ۱۴]. در کتاب تاریخ مغول، تألیف عباس اقبال آشتیانی، نیز به حمامی در شنب غازان و همچنین حمامهای شهر اوجان، که به وسیله غازان خان، و نیز حمامهای شهر سلطانیه، که به دستور اولجایتو ساخته شده، اشاره شده است [۱۷، ص ۳۰۵].

از حمامهای دوره تیموری (۹۱۱-۷۷۱ ه.ق.) نیز متأسفانه چندین خبری دردست نیست. علاوه بر حمامهایی در بخارا و شهر سبز، در حفاریهای اطراف بلخ، نمونه‌هایی از حمام در قرن پانزدهم میلادی (نهم ه.ق.) یافت شده که به خوبی بیانگر حمام، در آن دوره است [۱۹، ص ۱۹]. از این دوره، حمام شاه در مشهد نیز با وجود الحاقات صفوی، برجای مانده است. دوره صفویه (۱۱۴۸-۹۰۷ ه.ق.) را باید نقطه عطف معماری ایران دانست. ساخت



نموده است [۱۱، ص ۸۳]؛ بنابراین، اگر آخرین سال حکومت سلاجقه بر آناتولی، فلسطین، و... را حدود ۶۷۷ ه.ق. (که مورخان و محققان گفته‌اند) فرض کنیم و به آن تأثیر هنر ایران بر این سرزمینها را نیز بیفزاییم، باید بپذیریم که بناهای ابتدای سده هشتم هجری در ایران و فلسطین هنوز تحت تأثیر میراث گرانبهای سلجوقی ساخته می‌شده است.

طوفان خانمانسوز تهاجم مغولان، در نیمه دوم قرن هفتم هجری به شرق ایران آغاز و بسرعت به طرف غرب کشیده شد و بغداد و بارگاه خلافت عباسی را در ۶۵۶ ه.ق. درنوردید؛ ولی در ۶۵۹ ه.ق. در جنوب سوریه به وسیله ممالیک متوقف شد. مملوکان یا ممالیک، قدرتی جدید بودند که از زیر خاکستر ایوبیان سر برآورده بودند و تا اواخر قرن هشتم هجری نیز، بر مناطقی از شام، مصر و فلسطین حکومت کردند؛ بنابراین، در ایران مغولان، و در فلسطین ممالیک تا اواخر قرن هشتم برجای بوده، و درزمینه هنر و معماری، هر دو وارثان سلاجقه بودند؛ زیرا مغولان جنگجوی و صحراگرد، که روزگار در چادر و بر پشت اسب سپری می‌کردند، هنر و تمدنی نداشتند که به ایرانیان صاحب فرهنگ و هنر بدهند؛ از سوی دیگر در فلسطین نیز، ممالیک، که خود از طبقه اجتماعی غلامان بودند، وضعی مشابه داشتند؛ ازاین‌رو، تأثیر بسزای، هنر سلجوقی بر هنر و معماری سرزمین فلسطین طبیعی است. به عنوان شاهدی برای عظمت و شکوه و میزان تأثیر هنر سلجوقی نیز یادآوری این موضوع کافی است که، تا سالهای سال پس از افول سلاجقه، هنر این دوران همچنان سیطره خود را بر هنر و معماری منطقه وسیعی از نواحی شرقی ایران تا مرزهای غربی سرزمین عثمانی حفظ کرده بود. بسیاری از محققان، تأثیر هنر سلجوقی ایران بر هنر عثمانی را مکرراً یادآور شده‌اند [۲۴، ص ۵۰] و برخی دیگر نیز بر جایگاه هنر ایران، به طور کلی در هنر اسلامی، تأکید داشته‌اند [۱۱، ص ۲۲۷].

در واقع معماری عثمانی، زمانی از زیر سلطه معماری سلجوقی خارج شد که با انتقال پایتخت به استانبول، معمار نابغه‌ای با نام «سنان» ظهور کرد. «خواجه سنان (۱۵۸۸-۹۱ یا ۱۴۹۰ م.)... از مسیحیان آسیای صغیر بود، که در سال ۱۵۱۲ به صورت یک بنی‌چری به قسطنطنیه وارد شد. در سال ۱۵۱۴ به مقام افسری رسید و در ایران و مصر، در زمره مهندسان ارتش به خدمت مشغول بود و در سال ۱۵۲۹ سلطان عثمانی او را به عنوان معمار دربار برگزید» [۱۱، ص ۹۰]؛ بنابراین تا سال ۹۰۷ ه.ق.، یعنی سال

حمامها در این دوره، مانند بیشتر بناهای عام‌المنفعه، با تعدد و تنوع چشمگیری همراه بود؛ اگرچه الگوی ساخت حمام (یعنی همان توالی ورودی و سربینه و میاندر و گرمخانه و خزینه) به لحاظ کالبدی تغییر نکرد؛ ولی دستخوش تحولات جدی شد که بررسی آن، خود فرصتی دیگر می‌طلبد. پس از صفویان، زندیان (۱۲۰۹-۱۱۶۲ ه.ق.) وراث مستقیم و بدون واسطه هنر و معماری صفویان بودند؛ ازاین‌رو، در دوره زندیه، تغییرات چشمگیری در ساختار فضایی و کالبدی و حتی تزینات حمامها به‌وجود نیامد. در دوره قاجار (۱۳۴۴-۱۱۹۳ ه.ق.) نیز معماری حمامها تغییری نیافت. رواج حمامهای خصوصی در خانه‌ها، که از دوره صفویه آغاز شده بود [۲۰، ص ۴۱]، در دوره قاجار تشدید شد و البته این امر بیشتر نشان تعین و تشخیص بود و برای فخرفروشی صورت می‌گرفت. این امر باعث شد که حمامهای عمومی بتدریج مشتریان خود را از دست بدهند، تا در همان سالهای اولیه حکومت رضاشاه (۱۳۰۴-۱۳۲۰ ه.ش.) به دستور وزارت بهداشت آن روزگار، حمامهای خزینه‌دار ملزم به بستن خزینه و گذاشتن دوش شدند [۲۱، ص ۴۸] و به این ترتیب آخرین برگ کتاب حمامهای تاریخی ایران ورق خورد.

۳- حمامهای فلسطین

تاریخچه

سلجوقیان، ابتدا حکومت خود را در ۴۱۶ ه.ق. در شمال شرقی ایران شکل دادند؛ سپس به سمت غرب آمده و بغداد را در ۴۳۴ ه.ق. و آناتولی را در نبرد ملازگرد در ۴۵۰ ه.ق. متصرف و بر شمال سوریه نیز مسلط شدند. سلاجقه تا ۵۳۵ ه.ق. (یعنی سال مرگ سلطان سنجر) در ایران بر سریر حکومت بودند، اما شاخه‌ای از آنها، یعنی سلاجقه آناتولی (یا سلاجقه روم) تا اواخر قرن هفتم، بر آناتولی، سوریه، اردن و فلسطین حکمفرمایی می‌کردند؛ بنابراین طبیعی است که هنر و معماری این سرزمینها، از هنر و معماری سلجوقیان ایران تأثیر فراوان پذیرفته باشد. این مسأله‌ای است که بسیاری از محققان، از جمله اتینگهاوزن و گرابر به آن اذعان کرده‌اند [۲۲، ص ۴۲۰]. هیلن براند نیز این تأثیر را در معماری مساجد، معماری آرامگاهی، ساخت و فرم مناره‌ها و در معماری کاروانسراها بتفصیل بررسی کرده است [۲۳، ص ۱۵۳]. جان هوگ نیز به تأثیر معماری ایران بر معماری سرزمین آناتولی اشاراتی

اسلامی فلسطین، درباره هر یک از این حمامها مطالبی آورده است [۲۵، ص ۸۷].

۴- مطالعه تطبیقی

۴-۱- معرفی حمامها

الف: حمام سلطانیه

سلطانیه، پیش از آن‌که به پایتختی ایران انتخاب شود، چراگاه احشام و اردوگاه بود. در آغاز قرن هشتم هجری ارغون، یکی از شاهان عصر ایلخانی، دستور ساخت شهری را در این محل صادر کرد. وی درحالی‌که قلعه هنوز نیمه تمام بود، در آن مسکن گزید. وی در سال ۶۹۱ ه.ق. درگذشت و طبق وصیت، جنازه‌اش در همانجا دفن شد. با درگذشت ارغون، پسر وی غازان خان، ابتدا دستور داد تا آرامگاه پدر را به طرز باشکوهی بسازند؛ ولی بعداً منصرف شده، به تبریز رفت و دستور داد تا شنب غازان را بسازند. الچایتو در ۷۰۲ ه.ق. به حکومت رسید و در حدود ۷۰۴ تا ۷۱۰ ه.ق. دستور داد تا بهترین معماران و هنرمندان گستره حکمرانی وی را به سلطانیه اعزام کنند، تا ساخت شهر به صورت هرچه باشکوه‌تر به پایان برسد [۲۶، ص ۷۲]. طرح کلی شهر، شامل بناهای متعدد مذهبی و غیر مذهبی نظیر مسجد، مدرسه، بازار، کاروانسرا، کاخ، گرمابه، بیمارستان (دارالشفا) و خانه‌های مسکونی بود، که در حصار مربع شکل با برج و بارو قرار گرفته بودند.

طرح و نقشه شهر را از خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی، وزیر دانشمند اولجایتو، دانسته‌اند. ساخت شهر در سال ۷۱۰ ه.ق. به پایان رسید و اولجایتو به همین مناسبت جشنی برپا کرد و در آن، شهر را سلطانیه نامید. این شهر خیلی زود اهمیت ویژه‌ای یافت و یکی از شهرهای معروف عصر ایلخانی شد؛ به طوری‌که جغرافی‌نویسان و مورخان مانند حمدالله مستوفی نوشته‌اند، پس از تبریز مهمترین شهر ایران، سلطانیه بود. "چون هنرمندان و صنعتگران و تجاری که از نقاط مختلف کشور به آنجا کوچ داده شده بودند باطناً ناراضی بودند، بعد از مرگ الچایتو و حتی در همان روز مرگش، حدود ۱۴ هزار خانوار شهر سلطانیه، پایتخت رسمی پادشاهان مغول را ترک گفتند [۲۷، ص ۲۷]. پس از الچایتو، ابوسعید بهادر توانست مرکزیت سلطانیه را حفظ کند. وزیر وی، علیشاه، او را به رفتن به تبریز تشویق کرد و ارگ علیشاه را بنا نهاد.

با مرگ ابوسعید و با حملات متوالی تیمور در ۷۸۶ ه.ق. ضربه مهلکی به سلطانیه وارد شد. در پی قتل و غارت تیمور و سپاهیان، شهر به کلی از سکنه خالی و بسیاری از آثار و ابنیه آن نابود شد. پس از مرگ تیمور، میرانشاه پسر وی حکومت را در دست گرفت و بنا به روایتی، در اثر دیوانگی و جنون، دستور ویرانی یا آتش زدن سلطانیه را صادر کرد. در دوره صفوی هرچند

ظهور سنان، معماری عثمانی شاخصه‌های ویژه‌ای نداشت و بیشتر مدیون اصول و مبانی معماری رایج ایرانی، بویژه برگرفته از معماری سلجوقی، بود. به تبع اولی، معماری عثمانی که در ۹۰۷ ه.ق. شکوفا شده بود نمی‌توانسته در ابتدای قرن هشتم بر معماری سرزمین فلسطین تأثیر گذاشته باشد. اگر به این موضوع، تأثیر معماری سلجوقی بر معماری فلسطین (که پیش از این درباره آن سخن گفتیم) را نیز بیفزاییم، تأثیر معماری ایران بر سرزمین مقدس را اثبات کرده‌ایم؛ بنابراین هرگونه شبهه‌ای در خصوص تأثیر معماری عثمانی در آن دوره خاص (یعنی ابتدای قرن هشتم) با این تطبیق تاریخی، منتفی خواهد شد.

البته بعدها، سنان که معماری عثمانی را متحول کرده بود، به یک روایت "یکصد و سی و پنج حمام ترکی را طراحی و بر ساخت آنها، نظارت کرد" [۲۴، ص ۷۱]. از آن تاریخ به بعد بود که حمامهای ترکی، معماری خاص خود را پیدا کرد. پس اگر تأثیر معماری سلجوقی بر معماری فلسطین را بپذیریم، باید این تأثیرات در معماری حمامها نیز به چشم آید. به منظور نشان دادن این تأثیرات، حمام سلطانیه متعلق به اوایل قرن هشتم و حمام العین در بیت المقدس متعلق به ۷۳۷ ه.ق. را برگزیده‌ایم. وجه تشابه دو نمونه در این است که اولاً به یک مقطع تاریخی پس از سلجوقیان متعلق می‌باشند؛ و دیگر این که هر دو حمام در زمان حکومت‌هایی بنا شده که خود فاقد هنر و معماری مستقل بوده‌اند، پس تأثیر هنر سلجوقی در ساخت آنها کاملاً پذیرفتنی است.

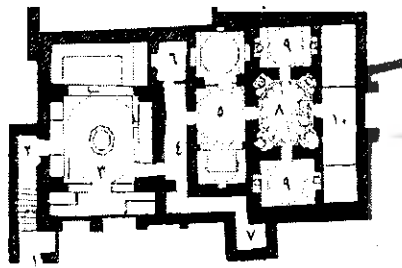
حمامهای تاریخی فلسطین

حمامهای تاریخی فلسطین، بخش عمده‌ای از بناهای تاریخی این سرزمین را تشکیل می‌دهند. مارتین داو، در کتاب حمامهای اسلامی فلسطین به طور مشروح در دوازده فصل، مطالب مختلفی درباره حمامهای فلسطین ارائه کرده است. از جمله در فصل یازدهم، درباره بیش از ۳۲ حمام تاریخی در شهرهای مختلف فلسطین، مطالبی همراه با عکس و نقشه آورده، که از جمله آنها حمام العین در بیت المقدس است. تعداد دقیق حمامهای تاریخی موجود در شهر بیت المقدس معلوم نیست، اما ظاهراً مهمترین حمامهای این شهر، یازده باب است که عبارتند از حمام الشفاء، حمام العین، حمام السیده مریم، حمام البترک، حمام السلطان، حمام داوود، حمام دراج العین، حمام علاءالدین البصیر، حمام الامود، حمام رومی (بیزانسی) و حمام بخاران؛ که مارتین داو در کتاب حمامهای



ب: حمام العین

این حمام را امیر سیف‌الدین تنکز ناصری، در سال ۷۳۷ ه.ق. در زمان ملک ناصر محمد بن قلاون ساخت. این حمام در سمت غربی و داخل بازارالقطنین واقع شده است. حمام از طریق ورودی کوچکی که چند پله پایین‌تر از سطح خیابان عمومی قرار گرفته، قابل دسترسی است. ورودی به سرپینه راه دارد، که در آن سکوهایی برای نشستن افراد وجود دارد. در وسط بینه نیز حوض آبی به چشم می‌خورد. اتاق صاحب حمام نیز متصل به بینه است. بینه با میاندر به گرمخانه منتهی می‌شود. در گرمخانه، حوضهای مرمری و نیز شاه‌نشینهای کوچکی وجود دارد. صاحب حمام، دلاکها و تون‌تاب در این حمام کار می‌کرده‌اند. حمام، همچنین دارای انباری برای نگهداری مواد و وسایل مورد نیاز است [۲۹، ص ۱۸۶] (نقشه ۲).



- ۱- ورودی
- ۲- راه‌پله
- ۴- بینه
- ۵- راهرو
- ۶- میان در
- ۷- اطاق نظافت
- ۸- مستراحها
- ۹- گرمخانه
- ۱۰- شاه‌نشینها
- ۱۱- خزینه



۱۰م ۵ ۱

شکل ۲. پلان حمام‌العین

۴-۲- مطالعه تطبیقی

پیش از انجام مطالعه تطبیقی، تعریف بعضی اصطلاحات به‌کار رفته در این مطالعه ضروری است.

- مساحت مفید: آن قسمت از مساحت زمین که به فضای معماری اختصاص یافته، و دارای عملکرد است.

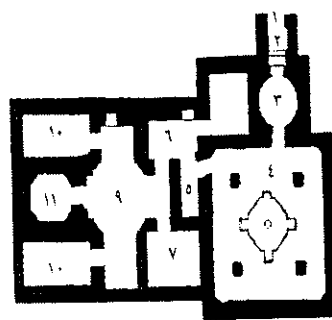
- مساحت غیر مفید: آن بخش از مساحت زمین که به‌وسیله دیوارها، ستونها، و سایر عناصر ساختمانی اشغال شده باشد.

- فضاهای ایستا: فضاهایی که در آن فعالیتی انجام می‌شود.

- فضاهای پویا: فضاهایی که در آن فعالیت خاصی انجام نشده و فقط محل گذر و تردد هستند.

سلطانیه از رونق و اهمیت افتاده بود؛ اما یکی از منازل مهم و بزرگ بین راه تبریز و اصفهان محسوب می‌شد. آنچه مسلم است این شهر تا پایان دوره صفوی به‌صورت شهر کوچکی با عمارات نیمه‌ویرانه و مخروبه، به‌حیات خود ادامه داده است. آنچه از سلطانیه باقی مانده بود، در دوره قاجار دستخوش هوسهای فتحعلیشاه شد. وی دستور داد تا با مصالح گنبد سلطانیه، عمارتی را روی تپه نور بسازند، و چنان‌که رسم وی بود در کتابهای تاریخ نوشتند که سلطانیه در زمان فتحعلیشاه و به دستور وی، بازسازی و نوسازی شد. از ۹۴۲ ه.ق. که نصوص عبدالله صلاحی مترکچی، سلطانیه را به‌تصور کشید [۲۸، ص ۴۲۰] تا ۱۳۰۶ ه.ق. که فوریه، پزشک ناصرالدین شاه، سلطانیه را توصیف کرد؛ جهانگردان بسیاری از جمله دل‌واله، تاورنیه، شاردن، دوبو، کورپرت، سولتیکوف، فریزر، و فلاندن به سلطانیه سفر کردند و تقریباً همگی ایشان، سلطانیه را آبادی یا شهری کوچک، مخروبه، با بناهای ویران و نیمه ویران توصیف کرده‌اند؛ اما مهمترین بنای شهر، یعنی مسجد معروف یا آرامگاه اولجایتو (که امروزه به گنبد سلطانیه مشهور است) همچنان پابرجا مانده است.

بنای مورد نظر این پژوهش، یکی از حمامهای متعدد شهر سلطانیه است، که اگرچه تاریخ دقیق ساخت آن مشخص نیست؛ اما بر اساس اسناد موجود، همزمان با دوره ساخت شهر یعنی بین ۷۰۴ تا ۷۱۰ ه.ق. ساخته شده است (نقشه ۱). باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی، به‌صورت شفاهی متذکر شده که این حمام متعلق به دوره قاجار است؛ ولی این موضوع به‌صورت مکتوب در هیچ مأخذی ثبت نشده است؛ لذا امکان استناد علمی به آن وجود ندارد؛ اما فرهاد فخار تهرانی چنین نظری نداشته و بر ایلخانی بودن حمام، صحه گذاشته است.



- ۱- ورودی
- ۲- راه‌پله
- ۳- هشتی
- ۴- بینه
- ۵- راهرو
- ۶- میان در
- ۷- اطاق نظافت
- ۸- مستراحها
- ۹- گرمخانه
- ۱۰- شاه‌نشینها
- ۱۱- خزینه



۱۰م ۵ ۱

نقشه ۱. پلان حمام سلطانیه

استفاده شده است. این واژه‌ها میزان نوسان وجوه مورد مطالعه را مشخص می‌کنند. میزان نوسان را $\pm 1/15$ در نظر گرفته شده است.

جزئیات مطالعه تطبیقی: این مطالعه براساس جدااولی که در این بخش آمده، ارائه شده است. لازم به توضیح است که برای نشان دادن وجوه تطابق دو حمام از واژه‌های کم، متوسط و زیاد

جدول ۱ مقایسه مساحت‌های حمام سلطانی و حمام العین

میزان تطابق درصدها			میزان تطابق اندازه‌ها			حمام العین		حمام سلطانی		
زیاد	متوسط	کم	زیاد	متوسط	کم	درصد	مساحت (مترمربع)	درصد	مساحت (مترمربع)	
*					*	۱۰۰	۳۰۸	۱۰۰	۱۵۱/۸۳	مساحت کل حمام
	*				*	۶۸	۲۰۹/۵	۵۵/۸۵	۸۴/۸	مساحت مفید
		*			*	۳۲	۹۸/۵	۴۴/۱۵	۶۷/۰۳	مساحت غیر مفید

جدول ۲ مقایسه مساحت فضاهای مختلف در حمام سلطانی و حمام العین

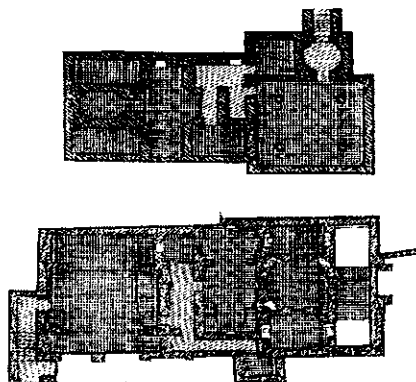
میزان تطابق درصدها			میزان تطابق اندازه‌ها			حمام العین		حمام سلطانی		نام فضا
زیاد	متوسط	کم	زیاد	متوسط	کم	درصد	مساحت (مترمربع)	درصد	مساحت (مترمربع)	
		*			*	۳/۰۴	۹۳۶	۱/۴	۲/۱۳	راه پله
						---	---	۲/۳۱	۳/۵	هشتی
*					*	۲۴/۸۹	۷۶/۶۵	۲۳/۲۸	۳۵/۳۴	سربینه
*					*	۳/۵۴	۱۰/۸۹	۳/۸۱	۵/۷۹	میان در
*					*	۱۰/۷۰	۳۳/۲۴	۷/۳۷	۱۱/۱۹	مجموع فضاهای خدماتی
		*	*			۵/۱۹	۱۶	۱۰/۴	۱۵/۷۹	گرمخانه
*					*	۷/۸۸	۳۱/۲	۷/۶۱	۱۱/۵۶	شاه نشینها
		*			*	۳/۳۶	۱۰/۳۵	۲/۳۱	۳/۵	خزینه

جدول ۳ مقایسه مساحت فضاهای ایستا و پویا در حمام سلطانی و حمام العین. (نقشه ۳)

میزان تطابق درصدها			میزان تطابق اندازه‌ها			حمام العین		حمام سلطانی		
زیاد	متوسط	کم	زیاد	متوسط	کم	درصد	مساحت (مترمربع)	درصد	مساحت (مترمربع)	
*					*	۵۱/۱۲	۱۵۷/۴۴	۵۰/۹۶	۷۷/۳۸	فضاهای ایستا *
*					*	۶/۵۷	۲۰/۲۵	۷/۵۲	۱۱/۴۲	فضاهای پویا **

* فضاهای ایستا شامل سربینه؛ مجموع فضاهای خدماتی؛ گرمخانه؛ شاه نشینها؛ خزینه می‌باشند.

** فضاهای پویا شامل راه پله؛ هشتی؛ میاندر؛ راهروها می‌باشند.



راهنا

فضاهای ایستا

فضاهای پویا

شکل ۳ مقایسه فضاهای ایستا و پویا در حمام سلطانی و العین

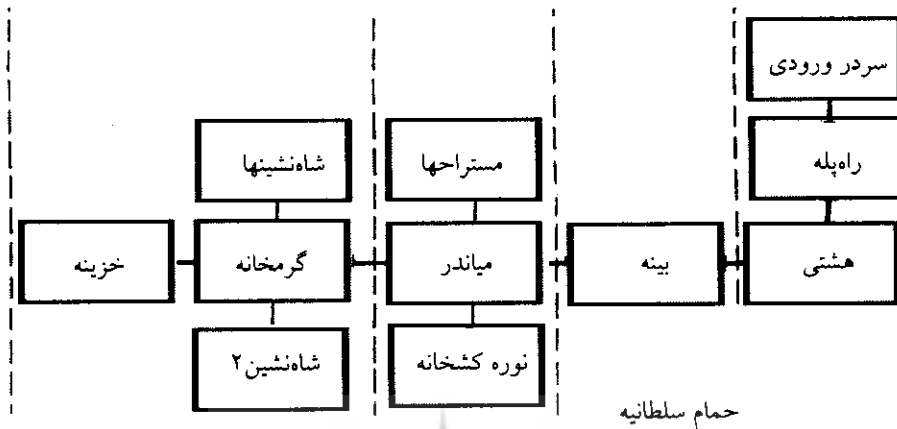


ارائه شده است. برای مقایسه دو نمودار از جدول ۴ کمک می‌گیریم.

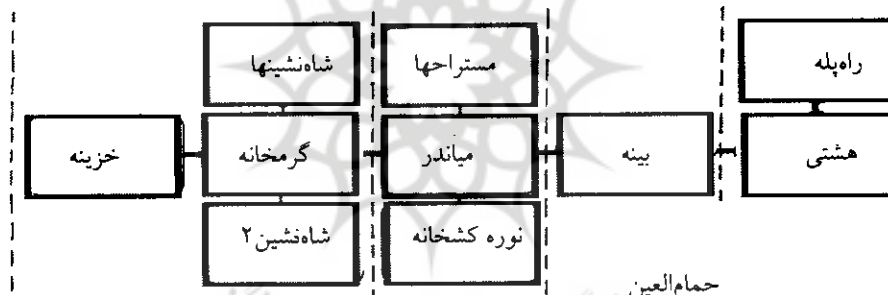
۴-۲-۱- مساحتها

۴-۲-۲- سلسله مراتب قرارگیری فضاها

سلسله مراتب قرارگیری فضاهای دو حمام به صورت نمودار ۱



حمام سلطانیه



حمام العین

نمودار ۱ مقایسه سلسله مراتب قرارگیری فضاها در حمام سلطانیه و حمام العین

جدول ۴ مقایسه سلسله مراتب فضاهای حمام سلطانیه و حمام العین

میزان تطابق			سطح قرارگیری در حمام العین	سطح قرارگیری در حمام سلطانیه	فضاها	
زیاد	متوسط	کم				
*			۱	۱	سردر	ورودی
*			۱	۱	راه پله	
				۱	هشتی	
*			۲	۲		بینه
*			۳	۳	فضای اصلی	میاندر
*			۳	۳	مستراحها	
*			۳	۳	نوره کشخانه	
*			۴	۴	فضای اصلی	گرمخانه
*			۴	۴	شاه نشینها	
*			۴	۴	خزینه	

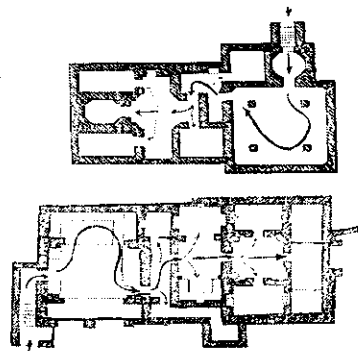
این دو حمام به شکلی کاملاً یکسان رعایت شده است؛ به عبارت بهتر، منطبق حاکم بر طراحی پلان این دو حمام، یکسان بوده و فقط مقیاس آنها با یکدیگر متفاوت است.

۴-۲-۳- مسیر حرکت و گردش در بنا

نقشه ۴ نشان‌گر سیرکولاسیون حرکت در حمامها است مقایسه این دو پلان، منطبق یکسان حاکم بر طراحی مسیر حرکت در هر دو حمام را به وضوح نشان می‌دهد (نقشه ۴).

۵- نتیجه‌گیری

از بررسی‌های به عمل آمده در این مقاله، چنین بر می‌آید که معماری سلجوقی ایران بر معماری سلسله‌های پس از خود، چه در ایران و چه در مناطق همسایه ایران نظیر فلسطین، تأثیر بسزایی داشته است. آنچه مورد نظر این مقاله بوده، نشان دادن این تأثیر در ساخت گرمابه‌های ایران و فلسطین است. از بررسی پلان دو حمام سلطانیه در ایران و العین در بیت‌المقدس نتیجه کلی به شکل جدول ۵ ارائه می‌شود.



نقشه ۴ مقایسه مسیر حرکت و ارتباط فضاها در حمام سلطانیه و حمام العین

جدول ۵ نتیجه‌گیری

تعداد میزان تطابق درصدها				تعداد میزان تطابق اندازه‌ها				نتایج
جمع موارد	زیاد	متوسط	کم	جمع موارد	زیاد	متوسط	کم	
۳	۱	۱	۱	۳	-----	-----	۳	نتایج جدول یک
۷	۴	-----	۳	۷	۱	-----	۶	نتایج جدول دو
۲	۲	-----	-----	۲	-----	-----	۲	نتایج جدول سه
۱۲	۷	۱	۴	۱۲	۱	-----	۱۱	جمع
۱۰۰	۵۸/۳۴	۸/۳۳	۳۳/۳۳	۱۰۰	۸/۳۳	-----	۹۱/۶۷	درصد از کل تطابقها

۶- منابع

- [۱] سروشیان، ج.؛ «آب، گرمابه و پاکیزگی نزد زرتشتیان ایران»؛ نشر ماکان؛ تهران؛ ۱۳۷۶.
- [۲] رهبر، م.؛ «نیایشگاه صابیین در جنوب شوشتر»؛ مجموعه مقالات اولین کنفرانس تاریخ معماری و شهرسازی ایران؛ ۱۳۷۴.

جدول فوق نشان می‌دهد که اگرچه دو حمام از نظر ابعاد و اندازه‌ها کمترین شباهت ممکن را با یکدیگر دارند؛ ولی رعایت نسبتها و تناسبات، که به شکل درصد بیان شده‌اند، نشان از حدود ۶۰٪ تطابق و تشابه دارد؛ از سوی دیگر، نتایج جدول ۴ و نقشه ۴ نیز نشان می‌دهند که نحوه قرارگیری و اصول سلسله مراتب فضاها و همچنین اصول سیرکولاسیون حرکت در بنا، در معماری



- [۳] رضی، ه.؛ «آیین مهر یا میترائیسم»؛ انتشارات فروهر؛ تهران؛ ۱۳۵۹.
- [۴] فخارتهرانی، ف.؛ «حمامها در کتاب معماری ایران دوره اسلامی»؛ ۱۳۶۶.
- [۵] تجویدی، ع.؛ «دانستنی‌های نوین درباره هنر و باستان‌شناسی عصر هخامنشی بر بنیاد کاوشهای پنج‌ساله تخت جمشید در سالهای ۲۵۲۷ تا ۲۵۳۲ شاهنشاهی»؛ اداره کل انتشارات وزارت فرهنگ و هنر؛ تهران؛ ۲۵۳۲.
- [۶] مقدم، م.؛ «جستار درباره مهر و ناهید»؛ دفتر نخست؛ انتشارات مرکز ایرانی مطالعه فرهنگها؛ تهران؛ ۱۳۵۷.
- [۷] فخارتهرانی، ف.؛ «حمامها در نظرگاه زمان»؛ ص ۵، س. ۱۰، ش. ۳۰؛ بهار و تابستان ۱۳۷۹.
- [8] Scarre, C. "The Seventy Wonders of the Ancient World. The Great Monuments and how they were built", Thames and Hudson, London, 1999.
- [۹] لوسکایا، پ.؛ «شهرهای ایران در روزگار پارسیان و ساسانیان»؛ ترجمه رضا، ع.؛ انتشارات علمی و فرهنگی؛ تهران؛ ۱۳۷۲.
- [۱۰] پایادوپولو، آ.؛ «معماری مدنی در اسلام»؛ ترجمه اقبالی، آ.؛ فصلنامه هنر، ش. ۲۹؛ تابستان و پاییز ۱۳۷۴.
- [۱۱] هوگ، ج. و سارتن، ه.؛ «سبک‌شناسی هنر معماری در سرزمینهای اسلامی»؛ ترجمه ورجاوند، پ.، ج. ۲؛ انتشارات علمی و فرهنگی؛ تهران؛ ۱۳۷۵.
- [۱۲] کامبخش فرد، س.؛ «شکل‌گیری معماری ناهید کنگاور در بستر تاریخ»؛ مجموعه مقالات اولین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران؛ ۱۳۷۴.
- [۱۳] صابی، ا.؛ «رسوم دارالخلافة»؛ ترجمه شفيعی کدکنی، م.؛ بنیاد فرهنگ ایران؛ تهران؛ ۱۳۴۸.
- [۱۴] باستانی پاریزی، م.؛ «سنگ هفت قلم بر مزار خواجهگان هفت چاه»؛ ج. ۲؛ انتشارات بهنشر؛ تهران؛ ۱۳۶۲.
- [۱۵] شاه محمد پور، ع.؛ «حمامهای بیشاپور»؛ مجموعه مقالات دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران؛ ۱۳۷۹.
- [۱۶] کامبخش فرد، س.؛ «کاوشهای علمی در کنگاور»؛ مجله باستان‌شناسی و هنر ایران، ش. ۶؛ بهار ۱۳۵۰.
- [۱۷] میرفتاح، ع.؛ «سلطانیه»؛ میراث فرهنگی، ش. ۱۳، تابستان ۱۳۷۴.
- [۱۸] اقبال آشتیانی، ع.؛ «تاریخ مغول از حمله چنگیز تا تشکیل دولت تیموری»؛ ج. ۶؛ انتشارات امیرکبیر؛ تهران؛ ۱۳۶۵.
- [۱۹] کشاورزی، م.؛ «مطالعه حمامهای تاریخی و به طور اخص بررسی و طرح مرمت و احیای حمام شاهزادگان در بازار اصفهان»؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد؛ دانشگاه هنر؛ ۱۳۷۶.
- [۲۰] شاردن، ژ.؛ «دایرةالمعارف تمدن ایران (سیاحتنامه شاردن)»؛ ترجمه عباسی، م.؛ انتشارات امیرکبیر؛ تهران؛ ۱۳۴۵.
- [۲۱] نواب صفا، ا.؛ «قصه شمع (خاطرات هنری)»؛ البرز؛ تهران؛ ۱۳۷۷.
- [۲۲] اتینگهاوزن، ر. و گرابر، ا.؛ «هنر و معماری اسلامی»؛ ترجمه آژند، ی.؛ انتشارات سمت؛ تهران؛ ۱۳۷۸.
- [۲۳] هیلن براند، ر.؛ «معماری اسلامی»؛ ترجمه اعتصام، ا.؛ شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری؛ تهران؛ ۱۳۷۷.
- [۲۴] الرفاعی، ا.؛ «تاریخ هنر در سرزمینهای اسلامی»؛ ترجمه فتوات، ع.؛ جهاد دانشگاهی مشهد؛ مشهد؛ ۱۳۷۷.
- [25] Dow, M.; "The Islamic Baths of Palestine"; Oxford University Press; Hertford; 1996.
- [۲۶] کیانی، م.؛ «تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی»؛ انتشارات سمت؛ تهران؛ ۱۳۷۴.
- [۲۷] دلاواله، پ.؛ «سفرنامه دلاواله»؛ ترجمه شفا، ش.؛ ترجمه و نشر کتاب؛ تهران؛ بی‌تا.
- [۲۸] ایمانی، ن. «سلطانیه در تصاویر»؛ مجموعه مقالات اولین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران؛ ۱۳۷۴.
- [۲۹] نجم، ر. و دیگران؛ «گنجینه‌های قدس»؛ ترجمه و سقمی، ص.؛ انتشارات امیرکبیر؛ تهران؛ ۱۳۷۱.